

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد حسن سویدان/ ۱۲ دسمبر ۲۰۲۳
برگردان: نسرين معروفی
۱۹ دسمبر ۲۰۲۳



محمد حسن سویدان

حمایت کورکورانه المان از اسرائیل در غزه

المان ظاهراً از اسرائیل حمایت می‌کند تا تاوان گناهان گذشته نازی‌های خود را بپردازد، با این حال حمایت برلین از صهیونیسم قوم‌گرا و انحصارگرا، جوهر نازیسم است.



اعتبار عکس: گهواره

از زمانی که عملیات طوفان الاقصی در ۷ اکتوبر توهم امنیتی اسرائیل را پاره کرد، غرب قاطعانه در پشت تل ابیب گرد آمده و حمایت بی دریغ خود را در تمام زمینه‌ها از سیاسی و نظامی گرفته تا رسانه‌ای، اطلاعاتی و حوزه‌های دیگر ارائه کرده است.

در میان این نمایش وحدت غرب، المان خود را متمایز کرده است و به‌عنوان مدافع سرسخت اسرائیل و مخالف سرسخت هرگونه کمک به فلسطینی‌ها، حتی کودکان در میان آنها، در خط مقدم اتحادیه اروپا برجسته‌تر از دیگران

ایستاده است. این درحالی است که ارتش اسرائیل بیش از ۱۰۰۰۰ نوزاد و کودک را در غزه از زمان شروع حمله هوایی و زمینی خود در دو ماه پیش کشته است.

کمتر از یک هفته پس از طوفان الاقصی، اولاف شولز، صدراعظم المان، پیشنهاد کمک نظامی به اسرائیل در غزه را ارائه کرد و گفت:

"در حال حاضر، تنها یک مکان برای المان وجود دارد - جایی که در کنار اسرائیل است ... تاریخ خود ما، مسئولیت ما ناشی از هولوکاست، ایستادگی برای امنیت کشور اسرائیل را برای ما وظیفه ای همیشگی می کند".

به گفته شولز و امثال او، المان باید دائماً خود را با محافظت از نسل های یهودی پس از جنگ جهانی دوم نجات دهد. اما پس چرا برلین تعهدی مشابه برای محافظت از غیرنظامیان اسلاو غیر یهودی که تعداد آنها با قربانیان یهودی برابر است و توسط المان نازی کشته شده احساس نمی کند؟

عقدۀ گناه المان

"عقدۀ گناه" المانی از پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵، از طریق پرداخت های سالانه بیش از ۱ میلیارد دالر تجلی یافته است. این غرامت ها که در مجموع حدود ۸.۸۶ میلیارد دالر به اسرائیل بین سال های ۱۹۴۵ تا ۲۰۱۸ بوده است. اخیراً تا سال ۲۰۲۷ تمدید شد.

در حالی که این بودجه ظاهراً برای جبران وحشت یهودیان توسط المان نازی است، بررسی دقیق تر شخصیت های تاریخی تردیدهایی را در مورد انسجام روایت المانی ایجاد می کند.

تعداد عظیم تلفات ۱۷ میلیون نفر به دست المان نازی بین سال های ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵ شامل ۶ میلیون یهودی و ۵.۷ میلیون غیرنظامی شوروی است. با این حال، منابع دیگر ادعا می کنند که تعداد کشته های اسلاوهای قومی به طرز تکان دهنده ای، بسیار بیشتر از یهودیان است. المان نازی که توسط سیاست های ایدئولوژیک رادیکال هدایت می شد، مستند شده است که ۱۰،۵۴۷،۰۰۰ از نژاد اسلاو را در مقایسه با ۵،۲۹۱،۰۰۰ یهودی کشته است.

اگر دقیق تر نگاه کنیم، متوجه می شویم که اکثریت غیرنظامیان اسلاو کشته شده از پولند، اوکراین، روسیه و بلاروس بوده اند که عمدتاً از پیشینه های مسیحی ارتدکس بودند. پس چرا آنها به دلیل احساس گناه مشابه المانی که بر وجدان رهبران المان سنگینی می کند، غرامت دریافت نمی کنند؟

این به نوبه خود سؤالاتی را در مورد انگیزه های واقعی حمایت و کمک مالی به اسرائیل ایجاد می کند - آیا این یک موضع اصولی است که برلین ظاهراً آن را ترویج می کند یا صرفاً یک مانور سیاسی.

دشمنی هیتلر با غیر یهودیان

سوابق تاریخی بعدی کمتر بررسی شده خصومت آدولف هیتلر را نشان می دهد، یعنی این که خصومت او با مسیحیان شرقی تفاوت قابل توجهی با دشمنی او با یهودیان نداشت.

این جنبه از حکومت وحشت او اغلب به دلیل مصلحت سیاسی نادیده گرفته می شود. نازی ها بیش از انحرافی را منتشر کردند که در آن نژاد «برتر» المانی قرار بود بر افراد ظاهراً «کم ارزش تر» مردمان اسلاو، به مثابه یک جنگ صلیبی جدید برای نجات تمدن غرب از دست این به اصطلاح بربرهای شرقی، حکومت کند.

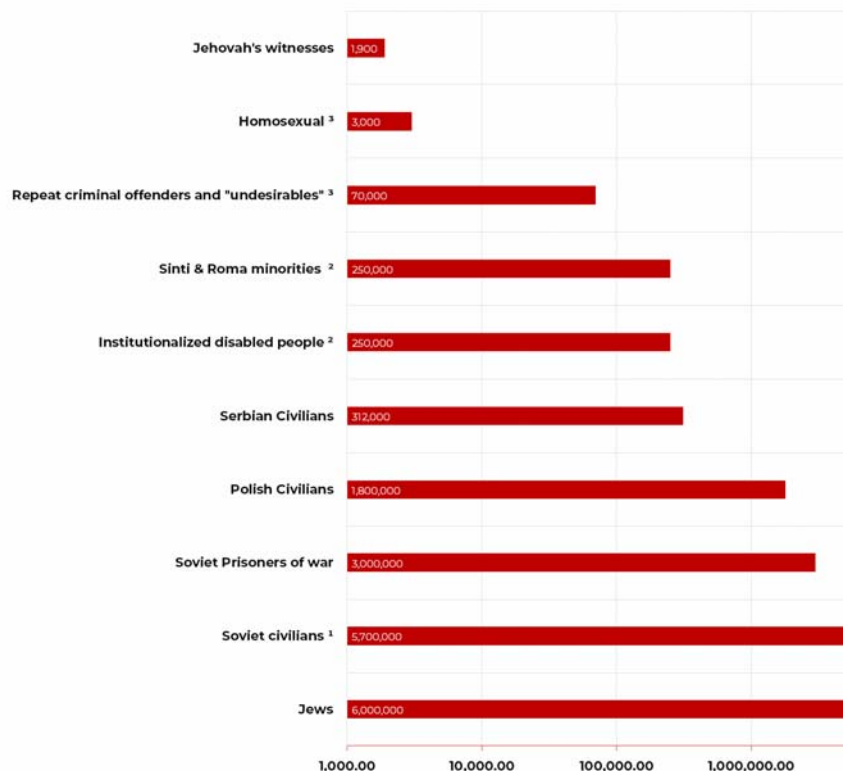
اشاره های تاریخی متعددی بر جنایاتی که نازی ها بر مسیحیان ارتدوکس تحمیل کرده اند گواهی می دهند، با این حال این رنج اغلب تحت الشعاع جنایات جنگی است که به طور گسترده تر به رسمیت شناخته شده است.

در ختم جنگ جهانی دوم، ایالات متحده از طریق [طرح مارشال](#)، یک ابتکار جامع طراحی شده برای تسهیل، حمایت مادی حیاتی را از نیروهای متحد اروپایی به عمل آورد. بازسازی و احیای مجدد اروپای جنگ زده. قابل توجه است که آلمان غربی سابق به عنوان سومین ذینفع بزرگ این بسته کمکی ظاهر شد.

با این حال، این کمک همراه با انتظار ضمنی واشنگتن از برلین برای همسوئی نزدیک با منافع ایالات متحده بود، راهی که آلمان از آن زمان تاکنون به آن پایبند بوده است. مهمتر از همه، این همسوئی یک ایدئولوژی سیاسی قومگرا را که هم برتری و هم انحصار را ایده آل می کند، مسیری را ایجاد کرد که آلمان را به حامی سرسخت صهیونیسم تبدیل کرد. جنگ جاری اوکراین نشان می دهد که آلمان تا چه اندازه منافع ایالات متحده را بر منافع خود اولویت داده است. اگرچه منافع آلمان و روسیه در زمانهای اخیر اغلب به هم نزدیک شده اند، اما این نزدیکی از خطوط قرمز ایالات متحده عبور نکرد حتی وقتی پروژه خط لوله NordStream2 مشترک "آلمان و روسیه" که برآلی آلمان ارزش حیاتی داشت و آنها در اوایل سال ۲۰۲۲ تخریب شد، باز هم آلمان در بند وفاداری اش به آمریکا محصور ماند. هنگامی که وفاداری آلمانها مورد آزمایش قرار گرفت، مانند جنگ اوکراین که توسط ایالات متحده به راه انداخته شد، برلین ثابت کرد که با وجود ضربه شدید به اقتصادش کاملاً به واشنگتن وفادار باشد -.

17 million feel victim to the nazi regime

Estimated number of victims killed by the german nazi regime and its collaborators (1935-1945)



¹: no-jewish ²:upper estimate ³:lower estimate

Source: United State Holocaust Memorial Museum, Dr. Alexander Zinn

همسویی آلمان با صهیونیسم

آلمان - مانند بسیاری از کشورهای غربی - با جامعه جهانی با یک نحو برتری جوئی محسوس رفتار می کند که گویا برتری "دموکراتیک" غرب بر بقیه است.

وقتی توده های جنوب جهانی که بیشتر "جامعه بین المللی" را تشکیل می دهند، مخالفت خود را با جنگ نسل کشی اسرائیل در غزه اعلام کردند، صدراعظم شولز با تعصب خاصی اصرار ورزید که "اسرائیل یک دموکراسی است - این باید به وضوح گفته شود".

در واقع، از دیدگاه برلین، نبرد امروز بین اسرائیل به نمایندگی از "دموکراسی های غربی" و دیگرانی است که "لایق زندگی نیستند". همینجاست که باید گفت: این آشکارا جوهر نازیسم است که هرگز آلمان را ترک نکرده است.

پژواک مدرن تفکر نازی هنوز در موقعیت استثنائی آلمان وجود دارد که نمونه آن افزایش قابل توجه صادرات سلاح از آلمان است. به گفته وزارت اقتصاد آلمان، از ابتدای سال جاری تا دوم نومبر، برلین افزایش صادرات مجموعاً ۳۰۳ میلیون یورو (۳۲۳ میلیون دلار) را تأیید کرده است که نسبت به داده های تجاری سال ۲۰۲۲ ده برابر افزایش خیره کننده است.

به اساس گزارش مؤسسه تحقیقات صلح بین المللی استکهلم (SIPRI)، بین سال های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲، اکثریت قریب به اتفاق - ۹۹ درصد - واردات تسلیحات اسرائیل از آمریکا (۷۹ درصد) و آلمان (۲۰ درصد) بوده است. علاوه بر این، ایالت زاکسن-آنهالت آلمان اخیراً اعلام کرد که به رسمیت شناختن موجودیت اسرائیل از طریق نامه کتبی تبدیل به یک شرط لازم برای اخذ تابعیت آلمان خواهد شد.

اعتقاد برلین به برتری غرب

آلمان در حمایت کورکورانه از مواضع طرفدار اسرائیل، رویکردی تندرو علیه هر شکلی از همبستگی با غیرنظامیان فلسطینی اتخاذ می کند. تظاهرات طرفدار فلسطین منوع شده است و افراد مدافع حقوق کودکان فلسطینی با دستگیری روبه رو می باشند.

این موضع فقط در پاسخ به جنگ کنونی غزه نیست، بلکه با اصول پایدار سیاست خارجی آلمان مطابقت دارد، همانطور که در پاراگراف های آغازین ستراتیژی امنیت ملی این کشور ذکر شده است حق وجود اسرائیل است. تعهد دائمی دولت آلمان می باشد.

صدر اعظم شولز، در پی درگیری اوکراین، وضعیت جهانی را به عنوان "نقطه عطف" توصیف کرد. همزمان با آن بر تعهد آلمان برای ایستادن در سمت راست تاریخ تأکید ورزید. اظهارات او نشان می دهد که برلین خود را به عنوان یک مدافع پیشتاز هژمونی غرب در زمان تغییرات دگرگون کننده در نظم جهانی می بیند.

طرز دید مقامات آلمانی به مناقشه غزه را باید از طریق جهان بینی دوقطبی فزاینده آنها نگرست. برلین مانند تمام آتلانتیست ها، غزه را میدان نبردی بین طرفداران هژمونی غربی در غرب آسیا - که نیاز به اسرائیل قدرتمند دارد - و کسانی که فعالانه نقش غرب را در نظم چند قطبی در حال ظهور به نبرد فرا می خوانند، می داند.

مواضع برلین به مظهر ایمان به برتری محور غرب و ضرورتی برای حذف کسانی تبدیل می شود که این "حیثیت" را زیر سؤال می برند که چنین دیدی جوهر نازیسم است.

منبع: [Deutschlands blinde Unterstützung für Israel in Gaza \(thecradle.co\)](https://thecradle.co/Deutschlands_blinde_Unterstuetzung_fuer_Israel_in_Gaza)